نگاهی به «مرد خسته» نوشته طاهربن جلون ترجمه: سمیه نوروزی

ادبیات

سبکی تحمل ناپذیر گناه

امیلی امرایی

«و آنچنان که فقر همه فضیلت ها را زیرپای نداشتن ها به لجن می کشید»
«گلوتانوم»

به راستی طاهربن جلون در کدام پله از ادبیات جهان ایستاده است؟ او جوزو نویسندگان مکتب فرانسه محسوب می شود، اما ردپای شمال آفریقا در سراسر داستانهایش دیده می شود.

انگار آدم های قصه او تکنیک های داستان نویسی مکتب فرانسه را به زندگی بومی، آفریقایی خود کشانده اند و در نهایت داستانی که تنها قلم جلون قادر به خلق آن است؛ به دنیا می آید. جلون سالهاست که در فرانسه زندگی می کند؛ با این حال هروقت که از فرانسه حرف می زند از دریچه نگاه مهاجر تازه از راه رسیده ای همه چیز را روایت می کند که البته این هم که اتفاق می افتد. انگار حال و هوای اروپا هیچ کششی برای او ندارد.

«مردخسته» شاید عجیب ترین رمان او باشد؛ رمانی کافکایی که در آن همه چیز به گرده «دودلی» است و هیچ قطعیتی در آن وجود ندارد. همین دودلی و تردید است که رمان را تا انتها پیش می برد؛ و شخصیت اصلی داستان را در برابر ماجراها ومشکلات ذهنی و واقعی قرار می دهد.

تأثیرپذیری جلون از کافکا درست در همین نقطه است؛ شخصیت اصلی داستان بیش از اینکه با مسائل بیرونی گرفتار باشد؛ درگیری های ذهنی دارد.

مرد خسته حکایت مهندس مراد مرد تحصیلکرده و شریفی است که زندگی بخور و نمیری در کازا بلانکا دارد. مراد از ابتدای این رمان با عوامل و شرایطی مواجه است که بخش اعظمی از آن ناخواسته شکل گرفته اند و در نهایت همه چیز دست به دست هم داده است تا او را به ورطه سقوط اخلاقی و مالی بکشاند. تصویری که جلون و بعد مراد از کازابلانکا می دهند، هر خواننده ای را به هراس می اندازد.

سیستم اداری که سراسر آلوده است وهمه چیز با رشوه و حق المصالحه پیش می رود. آنقدر که هرکس با این سیستم پیش نرود، بیشتر به دردسر می افتد و باید همه هم رنگ جماعت باشند. همه دردسرهای مراد درست از همین جا آغاز می شود او می خواهد در این گندآب، پاک و درست بماند و به زندگی بخور و نمیرش راضی است. اما شرایط برای او بغرنج است، در اداره همه از رئیس گرفته تا آبدارچی او را سنگی جلوی پای خود می دانند، برای اینکه مراد اصطلاحاً انعطاف ندارد. دلش می خواهد همه چیز طبق روال معمولی پیش برود. ازسوی دیگر حلیمه همسر مراد هم درست مثل بقیه فکر می کند، درستکاری مراد را پای بی عرضگی می گذارد و او هم دست به دست بقیه جماعت داده است تا مراد را از پوست درستکاری بیرون بکشد و به اصطلاح او هم عرضه داشته باشد و زندگی اش را دگرگون کند.

دنیای متزلزل مراد او را تا مرز جنون می کشاند و در نهایت این مراد است که تسلیم جامعه می شود اما تضادهای درونی و بیرونی او را آشفته تر می کند.

رمان در ابتدا از نگاه دانای کل شروع می شود یعنی جلون موقعیت کلی مراد را برای ما شرح می دهد. درست از صفحه ۱۵ خیلی آرام و بی هیچ سکته ای جلون حکایت را به مراد می سپرد و حال مراد است که تمام تک گویی های ذهنی و بیمارگونه اش را روی کاغذ می ریزد؛ مرد خسته جلون درست مثل شخصیت های بیمارگونه کافکا، بیش از هر چیز از واگویه های ذهنی خود رنج می کشد، خود خوب و خود بد او دائم در جنگ هستند. در نهایت همه این عوامل داستان را به سمت یک تراژدی سوق می دهد.

مراد در این داستان نماینده آدم های شریفی مثل خودش است، نماینده دوست اش که مثل خود او فکر می کند و هرگز در مقابل این فشارها تسلیم نشده است، آنقدر که دست آخر اخراج اش کرده اند به نماینده پدرش که تا آخرین روز زندگی اش صاحب سکه های بی ارزش ته جیب اش را داشت و دست آخر تنها کاری که کرد این بود که بدون قرض مرد.

مراد نماد طبقه متوسط و رو به پایین جامعه مراکش است.

آدم هایی مثل مراد که شاید روزی مثل او فکر می کردند اما در نهایت تسلیم شدند و برای بهتر شدن اوضاع مالی و داشتن حداقل رفاه، پا را از دایره درستکاری بیرون بگذارند و خیلی چیزها را لگدمال کنند و مراد که در موقعیتی قراردارد که خیلی راحت می تواند به این رفاه و آسایش برسد و به قول زنش درصد بگیرد، در نهایت تن به وسوسه ها می دهد. «خود بد» او را به یاد دختر مریض اش، گریه ها و توهین های همسرش می اندازد. همین چندصدایی بودن داستان است که جلون با راوی دانای کل را عقب می راند و فضایی روشن را به خواننده ارائه می کند. اما درست از لحظه تسلیم همه چیز آغاز می شود، مراد نمی تواند با این ماجرا کنار آید؛ یک باره همه چیز به هم می ریزد. او که تا آن روز به خاطر جیب خالی هرگز به علایق اش فکر نمی کرد یک دفعه به رستوران گرانقیمت می رود، سیگاری می خرد و... حتی خیلی زود یاد عشق روزگار جوانی اش می افتد و تصمیم می گیرد به دختر خاله اش که عشق روزگار جوانی اش بود سری بزند و اینجاست که ضرب المثل مردی که شلوارش دوتا شد صدق می کند.

از سوی دیگر جامعه مراکش رفتارها و عرف های آن غرابت زیادی با یک جامعه ایرانی دارد، خواسته های زن مراد و زندگی طبقه متوسط مراکش شبیه زندگی یک ایرانی در وضعیتی مشابه است.

با این حال، «خود خوب» مراد را رها نمی کند و از او می خواهد دوباره همه چیز را به شکل اول برگرداند، او برای خلاصی از این موقعیت و به بهانه آرزوهای دخترش از کازابلانکا دور می شود و به سفری چند روزه می رود؛ اما هیچ چیز عوض نمی شود وانگار او چند قدم به جنون نزدیکتر می شود.

سبکی تحمل ناپذیر گناه او را زیر چرخ دنده هایش له می کند، مراد که همیشه فکر می کرد با بقیه فرق دارد، حالا درست مثل بقیه آلوده به گناه است.

عشق روزگار جوانی مراد درست مثل «خود خوب» او فکر می کند و سرزنش هایش به «دیوانگی و دودلی مراد دامن می زند. مرا در این مکاشفه درونی به مسائل دیگری هم می رسد، می فهمد که هیچ غرابتی میان او و زنش وجود نداشته هر چه هست فاصله است. در این تراژدی که برای یک انسان بدشانس و بی گناه نوشته شده، قهرمان داستان قربانی زیاده خواهی های آدم های دور و اطرافش می شود. درست در لحظه ای که او تسلیم شده است، باز هم اوست که قربانی می شود؛ او که اعتماد به نفس اش را باخته است در تله ای می افتد که دیگران برایش مهیا کرده اند.

جلون با اتکا به خودخوب و خود بد و با وام گرفتن از علم روانشناسی خواننده را به لحظه هایی می رساند که با جنون مراد همسو می شود، جدال درونی مراد آنقدر هنرمندانه به تصویر کشیده شده است که خواننده خود را با او در این مصیبت همسو احساس می کند.

مراد که در آرزوهایش روزهایی می بیند که در اروپا با خیال راحت قدم می زند تنها با یک سفر کوتاه به مرز جنون می رسد و ضربه اصلی به بدنه شخصیت مراد بعد از این سفر زده می شود. اغتشاش نرم نرمک ذهن مراد او را به ورطه جنون و سپس مرگ می کشاند. ماجراهای ریز و درشت، روایت های کوچک و از هم گسیخته با ذهن بزرگ نمای مراد به خواننده عرضه می شود و همه اینها جنون مراد را توجیه می کند.

بن جلون موقعیت متزلزل وآشفته انسان معاصر را در جامعه غرق فساد و سنتی به زیبایی به تصویر می کشد، آدم هایی که دنبال امکانات جامعه مدرن هستند، اما همه اینها را در بستر جامعه سنتی می خواهند.

جالب اینجاست که ماجرای رشوه گرفتن در این رمان با وجود نمود فراوانی که دارد اصل قضیه نیست. پشت پازدن به آرمان ها و اصولهاست که مراد را دیوانه می کند. آدم های به اصطلاح منعطف هم در این داستان زشت و کریه نیستند بلکه تنها برای رهایی از وضعیت بدمالی و سروسامان دادن به زندگی دست به این کار می زنند اما زیادی جدی گرفتن درستکاری او در میان این همه مصیبت گاهی وقت ها جنبه ای کاریکاتوروار پیدا می کند. پافشاری مراد جنبه ای هجوگونه به ماجرا می دهد. جلون یک بار در سال ۱۹۹۶ بعد از اینکه جایزه داستان نویسی کشورهای حوزه مدیترانه را به خاطر این رمان برد، گفت: «چالش های انسان امروز برای نگه داشتن معصومیت اش از عمده دلایلی است که سبب شد من این رمان را بنویسم. احساس می کنم در جوامع مدرن و اروپایی حدودها مشخص است اما این که در جامعه عقب افتاده ای که با چنگ و دندان می خواهد خودش را به مدرنیسم نزدیک کند، این چالش ها آدمی را به مرز جنون می کشاند.

مراد در این داستان همه چیز را علیه خود می بیند و آخرین فاجعه یعنی مرگ اش را هم نمی تواند باور کند. مراد شخصیت واقعی نیست ولی نمونه هایش فراوان است.

جلون در بیشتر کارهایش به دفاع از حقوق زنان و رسیدن آنها به حق مسلم شان می پردازد، اما این بار از منظری دیگر به دنیای زنان مراکشی می نگرد؛ او که همیشه جامعه مردسالار را تحقیر کرده است و این بار حلیمه همسر مراد را در لحظه های آشفته به تصویر می کشد و زیاد دل برایش نمی سوزاند. او با کمک گرفتن از روانشناسی اجتماعی که به تجربه کسب کرده است، ریشه های مشترک مشکلات جوامع عربی و مسلمان را در بوته نقد قرار می دهد. او معتقد است به این طریق می توان مبارزه انسان امروز را برای رسیدن به آزادیهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به تصویر کشید.

جلون در مقدمه اک به براین کتاب نوشته است، می گوید: «این کتاب را به «پرامودیا آتاتاتور» مدیونم، نویسنده بزرگ اندونزیایی که در حال حاضر در جاکارتا مراقبت و ممنوع القلم است.»

به اندونزی که رسیدم، قصد داشتم با وی ملاقات کنم و مراتب احترام و همفکری و نیز تحسین خود را از نزدیک عرض نمایم. ولی مرا از دیدارش منع کردند، چرا که ملاقات ما ممکن بود برای او دردسرساز شود. آنجا بود که با رمان «فساد» او که در سال ۱۹۵۴ در اندونزی منتشر شد آشنا شدم. برای ادای احترام به وی و اثبات حمایت نویسنده از نویسنده «مرد خسته» را نوشته ام، رمانی درباره فساد، فاجعه و مصیبتی که دامنگیر کشورهای شمال و جنوب شده است.

داستان در مراکش کنونی می گذرد. برای این که به وی ثابت کنم زیر سقف آسمان و کیلومترها دورتر از مملکت او، هنگامی که بدبختی مشترکی دامنگیر انسان می شود همگی آنها گرفتار یک شیطان هستند.

این داستان که بی شباهت به رمان او نیست و در عین حال فضایی متفاوت دارد، با نگاهی محلی و نیز جهانی، دلهای ما نویسندگان جنوب را به هم نزدیک می کند، حتی اگر این جنوب در خاور دور باشد.

بحثی درباره زمینه های شکل گیری و ویژگی های شعر هفتاد

فرار به سوی سرزمین های ناشناخته زبان

محمد حسین عابدی
قسمت بیست و نهم

شاعر شعر هفتاد، برای خود، الزامی مبنی بر انتخاب بر اساس بار عاطفی رایج قائل نیست. شاعر می کوشد تا در پاره ای از موارد، از پذیرش تحمیل الگوهای شناختی آرمانی شده بر تشابه، خودداری کند و به دنبال انتخاب های دیگری باشد. این نکته به این معنی نیست که شاعر، بار عاطفی کلمات را نمی شناسد؛ بلکه مؤید این موضوع است که شاعر مورد نظر ما از بار عاطفی کلمات، استفاده ای دیگرگون می کند و این موضوع سبب می شود که در زمینه تشابه، خواننده با مواردی روبرو شود که تا پیش از آن سابقه نداشته است. اگر شاعر سنتی از میان تمام گزینه های رایج، به دلیل بار عاطفی، «سرو» را جایگزین قد یار می کرد؛ امروز در شعر هفتاد با گزینه هایی مواجه می شویم که برایمان ناآشناست. البته ناگفته نماند که همین ناآشنایی سبب شده است که برخی از خوانندگان و منتقدان شعر امروز، به دیده سوء ظن به این اشعار بنگرند و سوء تفاهم هایی به وجود آمده است که در صورت تداوم می تواند به عنوان یکی از مهمترین موارد آسیب شناسی شعر هفتاد مطرح شود؛ چرا که به اعتقاد من، شعر هفتاد هرگز آنگونه که شایسته حضورش باشد توضیح داده نشده و این نقطه ضعف بزرگی برای شاعران و شاخران و مبلغان این شعر است. به واقع بیراه نیست اگر بگوییم که توضیحاتی که اغلب هم توسط شاعران شعر هفتاد ارائه شده است بسیار کلی وعقب تر از آن چیزی است که توسط خود آن شاعران در حوزه شعر هفتاد شکل گرفته است یا به عبارت دیگر شعر هفتاد، بسیار فراتر از آن چیزی است که تاکنون در نوشته ها و نقدها مطرح شده است.

این اختلاف سطح تا جایی است که حتی در پاره ای از موارد، به جرأت می توان گفت ویژگی هایی که به شعر هفتاد نسبت داده شده است به هیچ وجه ارتباطی با شعر هفتاد ندارد و به نوعی گمراه کننده است به گونه ای که این سوء تفاهم و درک اشتباه، از دایره خوانندگان و علاقه مندان شعر، برگذشته و در میان شاعران نیز رواج یافته است. چنین است که در میان مدعیان شعر هفتاد، شاهد سرایش شعرهایی با اختلاف سطح و زاویه نگاه بسیار هستیم و گاهی دیده می شود شعرهایی به عنوان شعر هفتاد مطرح می شوند که هیچ قرابتی با آن ندارند. این موضوع بسیار مهمی است که شاید زیان آن، بیش از دیگران، متوجه شاعران شعر هفتاد باشد و من امیدوارم بتوانم در آینده، قسمت هایی از نوشته ام را به آن اختصاص دهم و با ذکر مثال، نمونه هایی از آن را ذکر کنم. به هر حال، این نکته را هم باید پذیرفت که هر حرکت تازه، به دلیل نکات مبهم و ناشناخته اش، علاوه بر آسیب های شناخته شده، آفات و آسیب های خاص خود را نیز به همراه دارد که شناسایی این آفات و پرهیز از آنها می تواند در موفقیت هر حرکت تازه ای نقشی حیاتی داشته باشد.

بر همین اساس و به دنبال آنچه که گفته شد می توانیم نکاتی چند درباره «انتخاب» نشانه ای به جای نشانه دیگر و «استعاره» ذکر کنیم.

ادمه دارد

آگهی مزایده

شرکت ایران برتر ماشین آلات و تجهیزات خطوط تولید رب، کنسرو و کمپوت خود را از طریق مزایده به فروش می رساند. علاقه مندان می توانند برای بازدید و ارایه پیشنهاد به کارخانه مراجعه نمایند. نشانی: جاده قدیم شهریار - باغستان تلفن: ۳۲۳۳۵۷۵-۰۲۶۲

دعوت به همکاری

یک شرکت معتبر صنایع غذایی برای طراحی و ساخت ماشین آلات بسته بندی مورد نیاز خود از شرکتهای ماشین سازی داخلی دعوت به عمل می آورد. لذا متقاضیانی که تمایل به همکاری دارند می توانند قاصله ای از زمینه های فعالیت خود را به همراه سوابق کاری، حداکثر تا ۱۰ روز پس از درج آگهی با صندوق پستی ۳۳۳-۱۴۶۵۵ ارسال نمایند.
تلفن: ۹۰-۲۳۷۴۸۸۹ - ۰۲۱ نمابر: ۲۳۷۴۸۹۲-۰۲۱

آگهی تجدید مناقصه

شرکت نئوپان خلخال، در نظر دارد، غذای عصرانی پرسنل خود را از طریق مناقصه به پیمانکار واگذار نماید. از واجدین شرایط دعوت به عمل می آید، برای اخذ شرایط به محل کارخانه واقع در شهرستان خلخال جاده سید داتیان مراجعه نموده و حداکثر تا پایان وقت اداری ۸۴/۳/۱۰ پیشنهاد خود را تحویل دبیرخانه نموده و رسید دریافت نمایند.
شرکت نئوپان خلخال

اعطای نمایندگی

گروه سام پر تولید کننده محصولات بین المللی ACD در گسترش پخش مویرگی از شرکتهای پخش مواد غذایی نماینده معتبر و فعال و خوشنام می پذیرد
دفترمرکزی ۲۰۵۲۸۴۰ و ۲۰۱۱۰۸۵-۰۲۱

فراخوان طراحی

پلان معماری
دهکده توریستی- مسکونی مهرآباد کاشان، جهت طراحی پلان معماری فاز دوم دهکده از علاقمندان دعوت به همکاری می نماید.
تلفن تماس: ۰۳۶۱-۵۵۵۱۳۵۸ - ۰۹۱۳-۲۲۱۳۹۳۴
شرکت توسعه باران صحرا

انتخاب نماینده

شرکت گل ایران تولیدکننده محصولات پاک کننده بهداشتی و آرایشی کیجا با ۲۸ سال سابقه در استانهای قزوین، زنجان، کردستان، آذربایجان غربی نماینده فعال و خوشنام می پذیرد.
۰۲۱-۴۲۴۷۰۷۲-۵

دیپلمه های نظام قدیم و فارغ التحصیلان پیش دانشگاهی و کارمندان آیا می خواهید با جزوات ما به آسانی بدون اتلاف وقت و پیام نور
بدون کنکور وارد دانشگاه شوید؟
و در رشته های حقوق، کامپیوتر، حسابداری، مدیریت بازرگانی، زبان انگلیسی، شیمی، روان شناسی، زیست شناسی، ادبیات فارسی، آمار، فیزیک، علوم تربیتی، کتابداری، زمین شناسی، جغرافیا، الهیات، علوم اجتماعی و ریاضی در دانشگاه های دولتی بپیوندید تحصیل و لیسانس معتبر از وزارت علوم دریافت نمایید و نهایتاً نیز بتوانید در کلیه دانشگاههای کشور، در آینده، در فوق لیسانس ادامه تحصیل دهید.
تلفن برای کسب اطلاع بیشتر: ۸۳۱۱۴۵۱-۰۲۱-۸۳۱۰۰۲۲ تهران پیام

آگهی دعوت

جلسه مجمع عمومی فوق العاده سالانه شرکت تعاونی مسکن بزرگشان بلیمر رأس ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه روز جمعه ۸۴/۳/۲۰ در محل سالن گلدانی دانشگاه ملی دزفول بلیمر تشکیل می گردد بایسته است شخصاً یا وکالتاً (وکالت کتبی) در این جلسه حضور به هم رسانید.
دستور جلسه:
۱- تغییر ماده یک اساسنامه
۲- تغییر ماده سه اساسنامه
(مدیرعامل: دکتر خوبکار)

اخذ نمایندگی و سرمایه گذاری

صبا خودرو البرز (سهامی خاص)
اولین شرکت خصوصی ضمانت و گارانتی مجدد خودرو در ایران
نمایندگی های فروش قرارداد های ضمانت، گارانتی و تعمیرگاهی خود را در سراسر کشور واگذار می کند
برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های زیر تماس حاصل فرمایید.
(۰۲۱-۸۷۵۵۴۸۷-۸۷۵۸۶۸۱-۸۵۱۲۵۷۶) www.sabaco.com

دعوت به همکاری

از بازنشستگان کشاورزی در رشته های:
۱. ماشین آلات کشاورزی
۲. اقتصاد کشاورزی
۳. آبخیزداری
۴. محیط زیست
۵. دامپروری
۶. آبیاری
از علاقمندان دعوت می شود از ساعت ۹ تا ۱۶ باستثناء روزهای پنجشنبه و جمعه با شماره تلفن ۸۰۲۵۳۶۲ تماس حاصل فرمایند.

نیازمندیهای روزنامه ایران
ایران پیام
سفارش آگهی: ۸۷۴۸۸۰۱-۵